



The Responsibility of the Islamic Republic of Iran Regarding the Cultural Rights of Refugees from the Perspective of Islamic and International Law

Farnoush Amiri¹, Mohammad Taghi Rezaei²,
Seyed Mohsen Sheikholeslami³

1. PhD Candidate in International Law, UAE (Dubai) Branch, Islamic Azad University, United Arab Emirates (Corresponding Author)
Email: farnoshamiri2@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Law, Shiraz Branch, Payame Noor University, Shiraz, Iran.
Email: rezaei.mt@pnu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Email: dr.sheikholeslami2013@gmail.com

Abstract

The responsibility of states towards refugees is a key issue in international law and Islamic jurisprudence. Given the increase in migration crises and the legal challenges arising from it, examining Iran's obligations as a refugee host country is of particular importance from a jurisprudential and legal perspective. This research analyzes these responsibilities and related legal guarantees. The aim of this research is to answer the main question of how the framework of Iran's international responsibility towards the cultural rights of refugees is defined based on jurisprudential and legal standards. This research was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources including international documents, Iranian domestic laws, jurisprudential texts and legal doctrine opinions. The data were analyzed with a comparative approach between the Islamic and international legal systems. The findings show that although Iran adheres to many international obligations in the field of refugee rights, there are some challenges, including: the lack of transparent mechanisms for judicial protection of refugees. On the other hand, Article 22 of the Iranian Constitution and the Civil Code provide significant protection for the basic rights of foreigners. This research shows that the Iranian legal system needs to review some policies, especially in the field of creating effective enforcement mechanisms. Combining the capacities of Islamic jurisprudence with human rights standards can provide a balanced model for improving the situation of refugees in Iran. It is suggested that practical steps be taken in this direction by developing a comprehensive asylum document in line with Islamic and international standards.

Keywords: Aliens, Refugee, Cultural Rights, International Responsibility, Human Rights, Islamic Law

Received: 2025/04/19
Revised: 2025/05/15
Accepted: 2025/05/28
Available Online: 2025/06/01

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2055535.1034



مسئولیت کشور ایران نسبت به حقوق فرهنگی پناهندگان از منظر حقوق اسلام و بین الملل

فرنوش امیری^۱، محمدتقی رضایی^۲، سید محسن شیخ‌الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد امارات (دبی) دانشگاه آزاد اسلامی، امارات متحده عربی (نویسنده

مسئول) رایانامه: farnoshamiri2@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران.

رایانامه: rezaei.mt@pnu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

رایانامه: dr.sheikhholeslami2013@gmail.com

چکیده

مسئولیت دولت‌ها در قبال پناهندگان از موضوعات کلیدی در حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی است. با توجه به افزایش بحران‌های مهاجرتی و چالش‌های حقوقی ناشی از آن، بررسی تعهدات ایران به‌عنوان یکی از کشورهای میزبان پناهندگان از منظر فقهی و حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش به تحلیل این مسئولیت‌ها و تضمینات حقوقی مرتبط می‌پردازد. هدف این تحقیق پاسخ به این پرسش اصلی است که چارچوب مسئولیت بین‌المللی ایران در قبال حقوق فرهنگی پناهندگان بر اساس موازین فقهی و حقوقی چگونه تعریف می‌شود؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی ایران، متون فقهی و آرای دکترین حقوقی انجام شده است. داده‌ها با رویکردی تطبیقی میان نظام‌های حقوق اسلام و بین‌الملل تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران هرچند به بسیاری از تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق پناهندگان پایبند است و اصل ۲۲ قانون اساسی و قوانین مدنی ایران حمایت‌های قابل توجهی از حقوق اولیه بیگانگان ارائه می‌دهد؛ اما برخی چالش‌ها در نظام حقوقی ایران از جمله: نبود سازوکارهای شفاف برای حمایت قضایی از پناهندگان وجود دارد که نیازمند بازنگری در برخی سیاست‌ها به‌ویژه در زمینه ایجاد سازوکارهای اجرایی مؤثر است. تلفیق ظرفیت‌های فقه اسلامی با استانداردهای حقوق بشری می‌تواند الگویی متوازن برای بهبود وضعیت

پناهندگان در ایران ارائه دهد. پیشنهاد می‌شود با تدوین سند جامع پناهندگی، همسویا موازین اسلامی و بین‌المللی، گام‌های عملی در این جهت برداشته شود.

واژگان کلیدی: بیگانگان، پناهنده، حقوق فرهنگی، مسئولیت بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق اسلام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت:	۱۴۰۴/۰۱/۳۰	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۴/۰۲/۲۵	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۳/۰۸	DOI:	10.22034/CJLS.2025.2055535.1034
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۴/۰۳/۱۲		

مقدمه

در جهان معاصر، پدیده پناهندگی به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های جامعه بین‌المللی تبدیل شده است. افزایش درگیری‌های مسلحانه، نقض سیستماتیک حقوق بشر، بحران‌های زیست‌محیطی و نابرابری‌های اقتصادی موجب شده‌اند تا میلیون‌ها انسان در جستجوی امنیت و زندگی بهتر، مرزهای کشور خود را ترک کنند. در این میان، کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و همسایگی با کشورهای بحران‌زده، همواره یکی از مقاصد اصلی پناهندگان بوده است. این واقعیت، مسئولیت حقوقی و اخلاقی ایران در قبال پناهندگان را به موضوعی حیاتی تبدیل کرده که نیازمند بررسی عمیق از منظر حقوقی و فقهی است. نظام حقوق بین‌الملل با تدوین اسنادی مانند کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷، چارچوبی نسبتاً جامع برای حمایت از پناهندگان ایجاد کرده است که جمهوری اسلامی ایران نیز به آن‌ها پیوسته است. با این حال، میزبانی میلیون‌ها پناهنده در طول چهار دهه گذشته، این امر موجب شده تا مسئولیت ایران در قبال پناهندگان در چارچوب پیچیده از تعهدات بین‌المللی عام، قوانین داخلی و موازین فقهی مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی با مفاهیمی مانند «عقد امان» و «حق جوار» ظرفیت‌های قابل توجهی برای حمایت از پناهندگان ارائه می‌دهند که می‌تواند مکمل نظام حقوقی بین‌المللی باشد.

در بعد حقوق داخلی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلفی از جمله اصل ۲۲ (مصونیت حیثیت، جان، مال و حقوق اشخاص) و اصل ۱۴ (رفتار نیکوی با غیرمسلمانان) پایه‌های محکمی برای حمایت از حقوق پناهندگان ایجاد کرده است. همچنین قوانین عادی مانند قانون مدنی و آیین‌نامه‌های مربوط به اتباع خارجی تا حدودی به وضعیت حقوقی پناهندگان پرداخته‌اند. با این وجود، پراکندگی و بعضاً نقصان این مقررات، نظام حقوقی ایران را با چالش‌های عملی مواجه ساخته است. از منظر فقه اسلامی، مسئله پناهندگی تحت مفاهیمی چون «استیمان» (پناهندگی موقت) و «جوار» (پناهندگی بلندمدت) مورد بحث قرار گرفته است. فقهای امامیه با استناد به آیات قرآن کریم (مانند آیه ۶ سوره توبه) و سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مبانی شرعی محکمی برای پذیرش پناهندگان ارائه داده‌اند. با این حال، تفاوت‌های ماهوی بین مفهوم پناهنده در حقوق بین‌الملل (فردی که از ترس آزار و اذیت از کشور خود فرار کرده) و مفهوم مستامن در فقه اسلامی (فردی که از دولت اسلامی درخواست امان می‌کند) نیازمند تحلیل تطبیقی دقیق است. این پژوهش با درک اهمیت موضوع و خلأهای موجود در ادبیات حقوقی، در پی پاسخگویی به این پرسش‌های اساسی است: مسئولیت بین‌المللی ایران در قبال پناهندگان بر چه مبنایی استوار است؟

موازنه فقهی چه تأثیری بر نظام حقوقی ایران در برخورد با پناهندگان داشته‌اند؟ و چگونه می‌توان بین تعهدات بین‌المللی، قوانین داخلی و موازنه شرعی هماهنگی ایجاد کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها از نظر علمی حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های آینده در این حوزه حیاتی قرار گیرد.

روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی ایران، متون فقهی و آثار علمی پژوهشی انجام شده است. رویکرد تطبیقی به کار رفته در این پژوهش، امکان مقایسه نظام‌های حقوقی بین‌المللی، اسلامی و ایرانی را فراهم آورده است. این مطالعه از یک سو به تحلیل محتوای اسناد و قوانین پرداخته و از سوی دیگر، با نگاهی انتقادی به بررسی چالش‌های عملی موجود در این زمینه اقدام کرده است.

ساختار این نوشتار به گونه‌ای طراحی شده که پس از بررسی مفاهیم پایه و مبانی نظری، به تحلیل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و ارکان آن می‌پردازد. سپس حقوق و تکالیف پناهندگان در سه نظام حقوقی بین‌المللی، اسلامی و ایرانی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، راهکارهای بهبود وضعیت موجود ارائه می‌شود. امید است این پژوهش گامی هرچند کوچک در جهت تحکیم حقوق پناهندگان و ارتقای نظام حقوقی ایران در این حوزه باشد.

۱. چهارچوب نظری و مفهومی

الف) مفهوم بیگانه

در ادبیات حقوق بین‌الملل، اصطلاحات «Foreign» «Alien» و «Foreigner» به‌عنوان معادل‌های مفهومی «بیگانه» «اجنبی» و «خارجی» به کار می‌روند. (قاسمی شوب، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰) از منظر حقوقی، بیگانه به شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که فاقد تابعیت دولت میزبان بوده و به تابعیت دولت دیگری منسوب است یا اساساً فاقد هرگونه تابعیت می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۱۴) این مفهوم در حقوق عمومی از خصیصه نسبی برخوردار است، چراکه بیگانگی شخص صرفاً در چارچوب رابطه حقوقی وی با دولت سرزمین محل اقامت معنا می‌یابد؛ به عبارت دقیق‌تر، ملاک تحقق وصف بیگانگی، فقدان پیوند تابعیت با کشور محل استقرار است (ارفع‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳) در منظومه مفهومی این پژوهش، مفاهیم هم‌پیوندی چون «تابعیت» به‌عنوان سنگ بنای رابطه فرد و دولت، «آواره» به‌مثابه شخص بی‌سرپناه ناشی از عوامل قهری، «مهاجر» به‌عنوان موضوع ارادی جابجایی سرزمینی و «پناهنده» به مفهوم خاص حقوق بین‌الملل، جایگاه محوری دارند که در ادامه به تفصیل مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

ب) آواره

در تحلیل حقوقی مفهوم آوارگی، باید به عوامل جبری و قهری مؤثر در ترک اجباری سرزمین اشاره نمود. بر مبنای مطالعات حقوق بشری، مهم‌ترین علل آوارگی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود: نخست، عوامل انسانی شامل مواردی چون نقض سیستماتیک حقوق بنیادین بشر، اعمال شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز؛ دوم، منازعات مسلحانه اعم از داخلی یا بین‌المللی؛ و سوم، بلایای طبیعی از قبیل خشک‌سالی، زلزله، سیل و طوفان (عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰) از منظر فقهی - حقوقی، اصطلاح «آواره» در ادبیات فارسی دارای مفهومی موسع بوده و در کاربرد عامیانه، غالباً با مفاهیمی چون مهاجر، پناهنده، پناهجو و بی‌جا شده مترادف انگاشته می‌شود. لیکن در تعریف تخصصی و حقوقی، آواره به شخصی اطلاق می‌گردد که در پی وقوع منازعات مسلحانه داخلی یا بین‌الدولی، به شکل ناگهانی و خارج از چارچوب‌های قانونی معمول، ناگزیر به ترک اجباری موطن خویش شده یا به موجب تصمیمات حکومتی از سرزمین خود اخراج گردیده باشد (توسلی نایینی، ۱۳۸۲، ص ۳۸) این تعریف مضیق، آواره را از سایر اقسام پناهندگان متمایز می‌سازد، چراکه عنصر «اجبار ناشی از مخاصمات مسلحانه» به‌عنوان رکن اصلی در تحقق این وضعیت حقوقی محسوب می‌گردد. در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز این تمایزات مورد تأکید قرار گرفته است، هرچند در عمل، مرزهای مفهومی بین این اصطلاحات گاه مخدوش می‌گردد.

ج) مهاجر

بر اساس ماده ۱ قانون منع قاچاق مهاجران غیرقانونی ایرلند (۱۹۹۹) مهاجرت غیرقانونی به ورود یا تلاش برای ورود اتباع خارجی به قلمرو یک کشور خارج از چارچوب مقررات پذیرفته شده بین‌المللی و ملی تعریف می‌شود (بیابانی و عصار، ۱۳۸۶، ص ۶۱-۶۲) از منظر حقوقی، سیاست مهاجرت که مبتنی بر اصل حاکمیت دولت‌هاست، در تقابل با مفهوم آزادی جابجایی به‌عنوان حق بشری قرار می‌گیرد. درحالی‌که آزادی جابجایی شامل حقوقی چون ورود، اقامت و برخورداری از رفتار عادلانه می‌شود، سیاست مهاجرت بر اختیارات انحصاری دولت‌ها در تنظیم روایید و تعیین شرایط اتباع خارجی تأکید دارد (احمدیگی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۵) این تقابل ذاتی، موقعیت حقوقی مهاجران را به‌ویژه در موارد غیرقانونی، به وضعیتی شکننده تبدیل می‌نماید.

د) پناهنده

مطابق اصول مسلم حقوق بین‌الملل، هرگاه حیات و امنیت اشخاص در معرض تهدیدات جدی

قرار گیرد، حق پناهندگی به عنوان یک حق بشری قابل اعمال خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۵۴) این حق که ریشه در اسناد بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد، دول عضو سازمان ملل متحد را مکلف می نماید تا در صورت درخواست افراد تحت تعقیب، نسبت به پذیرش و حمایت از آنان اقدام نمایند. از منظر فقهی نیز این اصل با مفهوم «استجاره» در فقه اسلامی که بر لزوم پناه دادن به افراد در معرض خطر تأکید دارد، قابل تطبیق است.

ه) تعریف مسئولیت بین المللی دولت ها

در دکترین حقوق بین الملل معاصر، تمایز دوگانه میان مسئولیت دولت به رسمیت شناخته شده است: نخست «مسئولیت عادی» ناشی از نقض تعهدات قراردادی یا عرفی متعارف (مانند تعهدات تجاری یا کنسولی) که منجر به روابط دوجانبه جبرانی می گردد؛ و دوم «مسئولیت مشدد» که در موارد نقض قواعد آمره بین المللی اعمال می شود. (آنتونیو، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵) این تفکیک که در ماده ۴۱ طرح کمیسیون حقوق بین الملل نیز منعکس شده، از منظر فقه اسلامی با تقسیم مسئولیت به «ضمان» و «تعهدات عامه» قابل مقایسه است.

۲. ارکان مسئولیت بین المللی دولت

۲-۱. عناصر ذهنی

الف) نسبت دادن خلاف بین المللی به یک دولت

در نظام حقوق بین الملل، مسئولیت دولت ناشی از اعمال اشخاص، مستلزم احراز رابطه انتساب است. بر این اساس، صرفاً رفتارهای مقامات رسمی در چارچوب وظایف عمومی، قابل اسناد به دولت محسوب می شود. در مقابل، اعمال شخصی کارگزاران دولتی و نیز اشخاص خصوصی، فاقد وصف دولتی بوده و مشمول اصل عدم مسئولیت دولت می باشد باین وجود، قصور دولت در اعمال نظارت مؤثر یا تعقیب قضایی مرتکبان، می تواند موجب مسئولیت بین المللی باشد. (قاسمی شوب، ۱۳۸۴، ص ۷۱) این اصل که در فقه اسلامی نیز تحت عنوان «ضمانت اقدامات مأموران» و «مسئولیت مدنی» مطرح است (سجادی کیا و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۸۳) بیانگر آن است که مسئولیت نهادهای حاکمیتی در قبال تخلفات زیرمجموعه، مشروط به تقصیر در ایفای وظایف نظارتی است.

ب) تقصیر دولت در انجام یک عمل خلاف در برخی موارد

در حقوق بین الملل، عنصر معنوی مسئولیت دولت در دو فرض محقق می شود: نخست،

هنگامی که دولتی به صورت آگاهانه دولت دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی هدایت یا کنترل نماید که در این صورت مسئولیت بین‌المللی مستقیم برای دولت هدایت‌کننده ایجاد می‌شود. دوم، در مواردی که دولتی با اعمال فشار غیر مشروع، دولت دیگر را به ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی وادار نماید، مشروط بر آنکه: (الف) عمل مزبور واقعاً صورت پذیرفته باشد؛ و (ب) دولت اعمال‌کننده فشار از خلاف بودن ماهوی عمل مطلع بوده باشد. این اصول که در فقه اسلامی نیز تحت عنوان «ضمانت اقدامات تحت اکراه» قابل تطبیق است، بیانگر ضرورت احراز سوءنیت در تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد.

۲-۲. عناصر عینی

پس از لازم‌الاجرائی شدن «کنوانسیون ۱۹۶۹ وین» درباره حقوق معاهدات در ژانویه ۱۹۸۰، توجه به این سند کلیدی که عمدتاً حاوی تدوین قواعد عرفی بین‌المللی بود، در انعقاد معاهدات بین‌الدولی اهمیت فزاینده‌ای یافت. (ناصری لاریجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴) از مهم‌ترین تحولات حوزه مسئولیت بین‌المللی، تأکید بر ماهیت تعهد نقض شده و تأثیر آن بر جامعه بین‌المللی بود که منجر به طرح دو نظام مسئولیت حقوقی و کیفری برای دولت‌ها گردید. هرچند تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه به نتایج ملموسی نینجامید، لیکن اهمیت محتوای تعهد از منظر اجرای مسئولیت دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت. (حدادی، ۱۳۸۹، ص ۸۹) این رویکرد در فقه اسلامی نیز با تقسیم‌بندی تعهدات به «عقود» و «ایقاعات» و تفکیک مسئولیت ناشی از هر یک، قابل مقایسه است. (مرتضی و قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵)

۳. حقوق فرهنگی بیگانگان در نظام حقوق بین‌الملل، اسلام و ایران

۳-۱. حقوق عمومی بیگانگان

حقوق عمومی بیگانگان به‌عنوان شاخه‌ای از نظام حقوقی داخلی، حاوی مجموعه قواعد حاکم بر وضعیت اتباع خارجی در قلمرو دولت میزبان است. این نظام حقوقی که مبتنی بر اصول کرامت انسانی و عدالت طبیعی استوار است، شامل تضمینات اساسی از جمله: (۱) حق امنیت شخصی، (۲) حق مالکیت، (۳) آزادی‌های مدنی و (۴) دسترسی به مراجع قضایی می‌باشد. (سنجری، ۱۳۸۹، ص ۵۲) با این حال، به‌موجب اصل حاکمیت ملی، بیگانگان از برخی حقوق خاص مانند مشارکت سیاسی و اشتغال در پست‌های حاکمیتی محروم می‌باشند. در فقه اسلامی نیز این تمایزات تحت عنوان «حقوق ذمّین» و با استناد به مفاهیمی چون «عقد ذمه» تبیین شده است. (عاملی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۸۷)

۲-۳. حق عبور و مرور

در حقوق بین الملل معاصر، اعطای روادید از اختیارات انحصاری دولت‌ها محسوب می‌شود که مبتنی بر اصل حاکمیت سرزمینی است (بند ۴ ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) از منظر فقه اسلامی، نظام حقوقی حاکم بر بیگانگان تحت دو عنوان اصلی قابل بررسی است: نخست «حقوق اهل ذمه» برای غیرمسلمانان مقیم دائم و دوم «حقوق مستأمنین» برای افرادی که با انعقاد عقد امان یا مهاده به صورت موقت در دارالاسلام اقامت می‌گزینند. (گرهارد فن گلان، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸) در این نظام، اگرچه حقوقی چون انتخاب مسکن و رفت و آمد به رسمیت شناخته شده، اما این حقوق مطلق نبوده و مشروط به رعایت مصالح عمومی و محدودیت‌های امنیتی است. (شریعی، ۱۳۸۴، ص ۲۱) در حقوق ایران، ماده ۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰، موارد ممنوعیت صدور روادید را به صورت حصری برشمرده است.

۳-۳. حفظ حیثیت و کرامت انسانی

اصل کرامت ذاتی انسان به عنوان سنگ بنای نظام بین المللی حقوق بشر، توجیه‌گر کلیه حقوق شناخته شده در این نظام است. در پارادایم اسلامی، این اصل که ریشه در آیات قرآنی (مانند آیه ۷۰ سوره اسراء) و روایات معصومین دارد، بیگانگان را صرفاً به واسطه انسان بودن، از هرگونه تعرض به حیثیت و کرامت انسانی مصون می‌دارد. (سنجری، ۱۳۸۹، ص ۵۲) این حمایت عام که ناظر بر ممنوعیت تبعیض بر اساس نژاد، ملیت یا هر عامل مشابه دیگر است، در اسناد بین المللی مانند مواد ۱، ۲ و ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز در قوانین اساسی اکثر کشورها بازتاب یافته است. در فقه امامیه، این اصل تحت عنوان «حرمت ذاتی انسان» و با استناد به روایاتی چون «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۱) تبیین شده که دلالت بر عام شمولی کرامت انسانی دارد.

۴-۳. حمایت از جان و مال بیگانه

حق تعلیم و تربیت نیز به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر و مواد ۴ و ۱۸ میثاق‌های بین المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. در حقوق ایران، این حق که از بدو تولد آغاز می‌شود، شامل ابعاد جسمی، روانی، اخلاقی و مذهبی بوده و تکالیفی را برای والدین و دولت ایجاد می‌نماید. (اسدی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳) اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تصریح به مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل «اشخاص» حمایت

یکسانی از اتباع داخلی و خارجی به عمل آورده است. این اصل که با اصول ۲۵ و ۳۹ قانون اساسی تکمیل می‌گردد، هرگونه تعرض به حقوق بیگانگان را جز در موارد مصرح قانونی ممنوع می‌نماید. در فقه اسلامی نیز این اصل با مفهوم «حق جوار» و «عقد امان» قابل تطبیق است که بر لزوم حفظ حقوق بیگانگان در قلمرو اسلامی تأکید دارد.

۳-۵. حق آزادی عقیده و مذهب

حق بر آزادی بیان و مذهب به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی (مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر) به رسمیت شناخته شده است. در منظومه فقهی - حقوقی اسلام، اگرچه دین حق معرفی شده، اما تنوع عقاید و مذاهب به رسمیت شناخته شده و انتخاب دین به اراده فردی واگذار گردیده است. قرآن کریم با پذیرش اصل آزادی عقیده (لا اکراه فی الدین) هرگونه مجازات دنیوی برای انتخاب عقیده باطل را نفی نموده، هرچند وعده عذاب اخروی برای منکران حق داده است (بقره: ۲۵۶)

در نظام حقوقی ایران، با استناد به اصل سیزدهم قانون اساسی و روش تنقیح مناط، اتباع خارجی متدین به ادیان رسمی از آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیمات دینی مطابق آیین خود برخوردارند. این آزادی مشروط به رعایت سه محدودیت اساسی است: (۱) نظم عمومی، (۲) اخلاق حسنه، و (۳) قوانین آمره. (کمالی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۴) این چارچوب که با موازین فقهی (مانند قاعده نفی سبیل و حرمت اختلال نظام) همخوانی دارد، نشانگر تعادل میان حقوق فردی و مصالح اجتماعی در نظام اسلامی است.

۳-۶. حق بر مسکن

حق بر مسکن به‌عنوان یکی از آزادی‌های عمومی، مفهومی گسترده و چندبعدی دارد که فراتر از سرپناه فیزیکی صرف بوده و شامل کلیه ملحقات و تسهیلات ضروری برای زندگی آبرومندانه می‌شود. (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲) در تعریف حقوقی، مسکن مناسب مستلزم برخورداری از امنیت تصرف، استانداردهای زیستی و دسترسی به خدمات پایه است. (پورمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱) بر اساس تعریف اجلاس استانبول (۱۹۹۶) مسکن مناسب واجد هشت ویژگی اساسی است: (۱) برخورداری از فضای کافی و آسایش، (۲) امنیت جانی و مالی، (۳) تضمین حقوق مالکیت، (۴) استحکام سازه‌ای، (۵) تأسیسات مناسب (نور، تهویه، گرما) (۶) دسترسی به زیرساخت‌های اساسی (آب، بهداشت، آموزش) (۷) شرایط محیطی مطلوب، و (۸) موقعیت مکانی

مناسب. (جهان‌بین، ۱۳۸۷، ص ۶۵) این استانداردها که باید متناسب با توان اقتصادی افراد تأمین گردد، در نظام حقوقی اسلام تحت عنوان «حق سکنی» و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۳۱) به رسمیت شناخته شده است.

۳-۷. حق بر سلامت و درمان و دارو

حق بر سلامت به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، در اسناد بین‌المللی و عرف جهانی به رسمیت شناخته شده است. (حیبی مجنده، ۱۳۸۶، ص ۷) این حق که در منشور بین‌المللی حقوق بشر تحت عنوان «حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل‌دستیابی سلامت جسمی و روانی» تعریف شده، دولت‌ها را مکلف به ارتقای سطح سلامت، حمایت از حقوق بیماران و تضمین کیفیت خدمات درمانی می‌نماید. از منظر حقوق بیمار، این مفهوم شامل مجموعه تکالیف مراکز درمانی در قبال بیماران است که نیازهای چهارگانه جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی آنان را در برمی‌گیرد. (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۶۴) تحولات حقوقی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌ویژه در نظام حقوقی اروپا، منجر به تقویت حمایت از حقوق بیماران شده است. (لینن، ۱۳۸۱، ص ۲۷) در نظام حقوقی اسلام، این حق با استناد به قاعده «لاضرر» و «حفظ نفس» مورد تأکید قرار گرفته و شامل تمامی افراد حاضر در قلمرو حکومت اسلامی، اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۲۹، حق برخورداری از خدمات درمانی را برای همه افراد به رسمیت شناخته است.

۳-۸. حق بر اشتغال

حق اشتغال به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین اقتصادی - اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در اسناد بین‌المللی دارد و ضامن کرامت انسانی و توسعه پایدار محسوب می‌شود. (مصفا، ۱۳۹۰، ص ۵۴) در سطح بین‌المللی، اگرچه این حق به رسمیت شناخته شده، اما دولت‌ها بر اساس اصل حاکمیت ملی، سیاست‌های متفاوتی در خصوص اشتغال بیگانگان اتخاذ می‌کنند. این سیاست‌ها عمدتاً شامل:

۱. انحصار مشاغل حاکمیتی برای اتباع داخلی

۲. اعطای مجوزهای مشروط برای اشتغال بیگانگان در مشاغل تخصصی

۳. الزام به اخذ مجوز برای فعالیت در مشاغل آزاد

در نظام حقوقی اسلام، حق اشتغال به‌عنوان لازمه طبیعی حق حیات مورد تأکید قرار گرفته

است. فقه اسلامی با رویکردی متوازن:

- کلیه مشاغل مفید و غیر مضر را مجاز شمرده است
 - بر فعالیت‌های مولد مانند تجارت، کشاورزی و صنعت تأکید ویژه دارد
 - مشاغل مضر به مصالح عمومی یا ناقض ارزش‌های اخلاقی را ممنوع کرده است
 - از سلطه اقتصادی بیگانگان بر جامعه اسلامی جلوگیری می‌کند
 این نظام حقوقی که تلفیقی از حقوق فردی و مصالح اجتماعی است، در قوانین کار جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته و بیگانگان را مشروط به رعایت مقررات، از حق اشتغال برخوردار می‌کند.

۳-۹. حق ترافع قضایی

حق بر دادرسی عادلانه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حکومت قانون، در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی ملی مورد تأکید قرار گرفته است. از منظر حقوق بین‌الملل، تحقق این حق مستلزم تضمین مواردی چون حق دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی است. (ضیائی فر، ۱۳۸۶، ص ۴۱۷) در خصوص بیگانگان، اصل برابری در برخورداری از حمایت قضایی به‌عنوان قاعده‌ای آمره شناخته می‌شود. ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر با تصریح بر تساوی کلیه افراد در پیشگاه قانون، هرگونه تبعیض بر اساس تابعیت را نفی می‌نماید. این اصل که در فقه اسلامی نیز تحت عنوان «قاعده تسلیط» و «منع ظلم» قابل استناد است، دولت‌ها را مکلف می‌نماید:

۱. امکان دسترسی بی‌قید و شرط بیگانگان به مراجع قضایی را فراهم نمایند

۲. رفتار قضایی یکسان با اتباع داخلی داشته باشند

۳. حق برخورداری از وکیل و مترجم را تضمین کنند

تخلف از این تعهدات، علاوه بر نقض موازین بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت را به دنبال خواهد داشت. در نظام حقوقی ایران نیز این اصل در قانون اساسی (اصول ۲۰ و ۳۴) و قوانین عادی مورد تأکید قرار گرفته است.

۴. حقوق خصوصی بیگانگان

۴-۱. مالکیت

مالکیت به‌عنوان حقی طبیعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته و در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم‌تراز با حقوق بنیادینی چون حیات و آزادی تلقی شده است. (نیکزاد، ۱۳۸۸) در نظام حقوقی اسلام، مالکیت به دو قسم تقسیم می‌گردد: ۱) مالکیت حقیقی که منحصر به ذات الهی است و ۲) مالکیت اعتباری که به‌موجب قانون برای اشخاص به رسمیت شناخته می‌شود.

(مدنی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷) قانون‌گذار ایرانی در زمینه مالکیت بیگانگان، رویکردی تفکیکی اتخاذ نموده است:

۱. در مورد اموال منقول:

- اصل بر آزادی تملک و تصرف بیگانگان است؛ (ماده ۳ قانون مدنی)

- هیچ تفاوتی بین اتباع داخلی و خارجی وجود ندارد؛

- این حق جز در موارد خاص قانونی قابل سلب نیست؛

۲. در مورد اموال غیر منقول:

- تملک منوط به وجود معاهده دوجانبه است؛ (ماده ۸ قانون مدنی)

- استفاده از ملک محدود به مقاصد سکونتی، صنعتی و تجاری است؛ (آیین‌نامه استملاک ۱۳۲۸)

- تابعیت قانون ایران بر کلیه معاملات حاکم است؛

این نظام حقوقی که تلفیقی از موازین فقهی (مانند قاعده تسلیط) و مصالح ملی است،

نشانگر تعادل بین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و حفظ حاکمیت بر منابع کشور می‌باشد.

۲-۴. ازدواج

حق تشکیل خانواده به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی متعدد از جمله ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵ اعلامیه حقوق غیر اتباع و ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. (غدیری، ۱۳۹۵، ص ۱۲) این حق که ریشه در فطرت انسانی دارد، دولت‌ها را مکلف به رعایت اصل عدم تبعیض در زمینه ازدواج می‌نماید. در نظام حقوقی ایران، ماده ۷ قانون مدنی با پذیرش اصل «تابعیت قانون ملی» در امور احوال شخصیه، اتباع خارجی را در زمینه ازدواج تابع قوانین کشور متبوع خود می‌داند. این رویکرد که با موازین «العقود تابعه للقوانین» همخوانی دارد، شامل موارد زیر می‌شود:

۱. شرایط ماهوی و شکلی نکاح تابع قانون ملی متعاقدين است

۲. مأموران کنسولی می‌توانند با رعایت دو شرط به ثبت ازدواج اتباع خود اقدام نمایند:

- طرفین تبعه کشور مربوط باشند

- قوانین کشور متبوع این اختیار را به مأموران داده باشد

این نظام حقوقی که تلفیقی از تعهدات بین‌المللی (احترام به حقوق بشری) و موازین فقهی

(رعایت قانون ملی) است، نشانگر تعهد ایران به همزیستی مسالمت‌آمیز حقوقی در عرصه

بین‌المللی می‌باشد.

۵. حمایت از حقوق فرهنگی بیگانگان در پرتو نظام حقوق بین الملل

در تحولات نوین نظام حقوق بین الملل، تمایز ماهوی تعهدات نقض شده و آثار آن بر جامعه بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است. این روند به شکل گیری دوگانه مسئولیت مدنی و کیفری دولت ها انجامیده است. اگرچه تلاش های کمیسیون حقوق بین الملل در این خصوص به نتایج قطعی منجر نشد، لکن تأثیر محتوای تعهدات در فرآیند اجرای مسئولیت دولت ها به عنوان رویکردی بدیع مورد توجه واقع شد. ویژگی های مسئولیت بین المللی در پارادایم جدید:

۱. انتساب هر فعل متخلفانه بین المللی به دولت، مستلزم تحقق مسئولیت بین المللی است

۲. این مسئولیت، منشأ ایجاد روابط حقوقی ثانویه مستقل از روابط اولیه می گردد

۳. در دیدگاه کلاسیک، میزان نقض تأثیری در گستره مسئولیت نداشت

۴. مسئولیت دارای خصیصه دوطرفه و محدود به دولت های مباشر بود

در نظام کنونی، صیانت از نظم عمومی بین المللی به عنوان تکلیفی عام برای کلیه تابعان حقوق بین الملل شناخته می شود. این تحول بنیادین، موجب رویکردی نوین در به کارگیری سازوکارهای مسئولیت برای اعاده نظم عمومی بین المللی گردیده است. ماده ۴۸ طرح پایانی مسئولیت دولت ها (۲۰۰۱) به عنوان تجلیگاه این دگرگونی، حاوی این مؤلفه هاست:

• جواز استناد به مسئولیت توسط دولت های ثالث غیر متضرر

• بیانگر وظیفه جمعی دولت ها در حراست از نظم عمومی بین المللی

• محصول گرایش جامعه محور در حقوق بین الملل معاصر

دولت های معاصر با بهره گیری از سازوکارهای متنوعی چون سیاست گذاری قضایی در سطوح ملی و فراملی، ضمانت اجراهای کیفری و مدنی، قادر به حمایت از اتباع خارجی می باشند. این سیر تحول، بیانگر گذار از پارادایم فردگرایانه به سوی مسئولیت جمعی در پاسداری از نظم بین المللی است. (حدادی، ۱۳۸۹، ص ۹۱)

۵-۱. ضمانت اجراهای کیفری

ضمانت اجرای کیفری به مثابه سازوکاری اساسی در صیانت از نظم عمومی و پاسخ به نقض قوانین، در نظام های حقوقی با رویکردهای متفاوتی تبیین و اعمال می گردد. در حقوق بین الملل، این موضوع همواره به عنوان یکی از مباحث پیچیده و چالش برانگیز محل توجه اندیشمندان این عرصه بوده است. ضمانت اجرای قواعد حقوقی عمدتاً در ذات قوانین مستتر بوده و با توجه به ماهیت داخلی یا بین المللی موضوع و نیز رویکرد تحلیلی (حقوقی، سیاسی یا اخلاقی) از قواعد و مکانیسم های خاصی تبعیت

می‌نماید. در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ضمانت اجرا از جایگاهی والا برخوردار است، زیرا امنیت، آزادی و کرامت انسانی - که مفاهیمی جهان‌شمول محسوب می‌شوند - در گرو کارآمدی آن است. مسلماً نقض این حقوق در صورت وصف مجرمانه یافتن، می‌تواند پیامدهای حقوقی و کیفری شدیدی به همراه داشته باشد (همان‌گونه که در اسناد بین‌المللی متعدد مورد تصریح قرار گرفته است) در حوزه حمایت از بیگانگان نیز، با توجه به جرم‌انگاری بین‌المللی برخی اصول حاکم بر این تعهدات، می‌توان از ضمانت اجرای کیفری سخن به میان آورد. (ساک، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱)

در فقه اسلامی، نظام ضمانت اجرای کیفری بر مبانی عدالت، مصالح عمومی و کرامت انسانی استوار است:

- جرایم حدی مانند سرقت، زنا و قتل عمد مشمول مجازات معین شرعی هستند؛
- جرایم تعزیری شامل مواردی می‌شود که در شرع مجازات خاصی برای آن‌ها مقرر نشده است؛
- اهل ذمه از امنیت جانی و مالی برخوردار بوده و نقض این حقوق مستوجب مجازات است؛
- مجازات باید با رعایت اصل تناسب و منع شکنجه اعمال شوند (مانند تأکید بر حفظ جان گروگان و ممنوعیت اعدام بدون محاکمه عادلانه)
- در نظام حقوقی ایران، تلفیق فقه امامیه و حقوق مدرن به شکل‌گیری ضمانت اجرای کیفری به این شرح انجامیده است:

۱. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (اعم از دولتی و خصوصی) را پذیرفته و مجازاتی چون انحلال، مصادره اموال و ممنوعیت فعالیت را پیش‌بینی نموده است. البته اشخاص حقوقی دولتی در امور حاکمیتی از شمول این مسئولیت مستثنی هستند.
۲. جرایم خاص: با وجود تصویب کنوانسیون بین‌المللی ضد گروگان‌گیری (۱۹۷۹) جرم گروگان‌گیری در قوانین ایران به صورت صریح تعریف نشده و رویه قضایی در این زمینه از وحدت رویه برخوردار نیست.

به‌طورکلی، حقوق بین‌الملل با تأکید بر همکاری دولتها و صلاحیت جهانی، با چالش سیاسی شدن مواجه است. فقه اسلامی با محوریت شریعت، بر تناسب مجازات و کرامت انسانی پای می‌فشارد، لکن نیازمند تفسیری پویا است. نظام حقوقی ایران با ترکیب فقه و حقوق مدرن گام‌های مثبتی برداشته، اما ابهامات قانونی و عدم انطباق کامل با اسناد بین‌المللی چالش‌هایی را پدید آورده است. به نظر می‌رسد ارتقای ضمانت اجرای کیفری مستلزم شفاف‌سازی قوانین، تقویت نهادهای نظارتی و هماهنگی بیشتر با استانداردهای جهانی باشد.

۶. بهره‌گیری از سیاست‌های غیر کیفری در عرصه بین‌المللی و داخلی

۶-۱. آگاه‌سازی‌های عمومی در پیشگیری از نقض حقوق بیگانگان

در عرصه بین‌المللی معاصر، آموزش حقوق بشر به‌عنوان سازوکاری راهبردی در تحکیم صلح جهانی و تسریع فرآیند توسعه پایدار مورد اقبال جامعه جهانی قرار گرفته است. این نظام آموزشی که بر مبنای ارتقای دانش حقوق بشری و توسعه مهارت‌های مرتبط استوار گردیده، از قابلیت‌های تحول‌آفرین در سطوح مختلف اجتماعی برخوردار می‌باشد.

دستاورد‌های محوری آموزش حقوق بشر:

۱. تثبیت صلح جهانی از طریق:

- نهادینه‌سازی فرهنگ تسامح و نکت‌گرایی

- تعمیق تفاهم‌های بین‌المللی

- تحکیم ارزش‌های جهان‌شمول انسانی

۲. تحقق توسعه پایدار با تأکید بر:

- رشد متوازن اقتصادی

- تعالی شاخص‌های اجتماعی

- بالندگی فرهنگی

این نظام آموزشی با دارا بودن محتوای غنی و ساختار نظام‌مند، قادر است در تمامی سطوح توسعه تأثیرات عمیق و پایدار بر جای نهد. از منظر حقوقی - فقهی، آموزش حقوق بشر نه صرفاً به‌عنوان حقی ذاتی، بلکه به‌مثابه پیش‌شرطی اساسی برای شکل‌گیری جامعه‌ای مترقی و صلح‌جو تلقی می‌گردد. این رویکرد با تکیه بر مبانی مشترک انسانی، ظرفیت آن را دارد که در چارچوب نظام‌های حقوقی مختلف - از جمله در پارادایم فقه اسلامی با تأکید بر مفاهیمی چون کرامت ذاتی انسان و عدالت اجتماعی - مورد بازخوانی و تطبیق قرار گیرد.

۶-۲. تحول سازوکارهای نظارتی حقوق بشر در نظام بین‌الملل: از تعهدات

حقوقی تا سیاست‌های شرم‌آفرینی

پس از تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و متعاقباً اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد به‌صورت مستمر به توسعه نظام‌نامه‌های حقوق بشری بین‌المللی همت گماشته است. امروزه می‌توان به جرئت ادعا نمود که پذیرش جهانی اصول بنیادین حقوق بشر به امری

مسلم تبدیل گردیده و مباحث نظری دهه ۱۹۴۰ اکنون به تعهدات حقوقی لازم الاجرای دولت‌ها در عرصه بین‌المللی مبدل شده است. اگرچه مسلم است که نخستین و کارآمدترین شیوه اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حمایت داخلی از آن‌ها می‌باشد، لکن در سطح جهانی توجه فزاینده‌ای به ضرورت تقویت سازوکارهای ملل متحد برای پاسداری مؤثرتر از موازین مندرج در این اسناد معطوف شده است. (مصفا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹) در عصر حاضر، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی با اعمال فشارهای سیاسی و انتشار گزارش‌های تحلیلی، رویکرد «سیاست شرم‌آفرینی» را در قبال دولت‌های متخلف از استانداردهای حقوق بشری در پیش گرفته‌اند. این روند که هر ساله شماری از کشورها را در فهرست ناقضان حقوق بشر (با قرائت غربی از این مفهوم) قرار می‌دهد، حتی به ابزاری برای تسویه حساب‌های سیاسی بین‌المللی نیز تبدیل گردیده است. این پدیده نشانگر آن است که حقوق بشر بین‌المللی در معرض خطر ابزاری شدن و سیاسی سازی قرار دارد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت کشور ایران در قبال حقوق فرهنگی پناهندگان از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، موضوعی پیچیده و چندبعدی است که نیازمند بررسی عمیق و تطبیقی میان این دو نظام حقوقی می‌باشد. این پژوهش به واکاوی تعهدات ایران در قبال پناهندگان پرداخته و نقاط قوت و خلأهای موجود در این زمینه را شناسایی کرده است.

▪ حمایت‌های حقوقی داخلی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه اصل ۲۲ (مصونیت حیثیت، جان، مال و حقوق اشخاص) و اصل ۱۴ (رفتار نیکوی با غیرمسلمانان) پایه‌های محکمی برای حمایت از حقوق پناهندگان فراهم کرده است. همچنین، قوانین مدنی و آیین‌نامه‌های مربوط به اتباع خارجی تا حدی به وضعیت حقوقی پناهندگان پرداخته‌اند. با این حال، پراکندگی و نقصان این مقررات، اجرای مؤثر آن‌ها را با دشواری مواجه ساخته است.

▪ مبانی فقهی پناهندگی: در فقه اسلامی، مفاهیمی مانند «عقد امان» (پناهندگی موقت) و «حق جوار» (پناهندگی بلندمدت) مبانی شرعی محکمی برای پذیرش پناهندگان ارائه می‌دهند. آیات قرآن کریم (مانند آیه ۶ سوره توبه) و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر لزوم حمایت از پناهندگان تأکید دارند. با این حال، تفاوت‌های ماهوی بین تعریف پناهنده در حقوق بین‌الملل (فردی که از ترس آزار و اذیت فرار کرده) و «مستأمن» در فقه اسلامی (فردی که از دولت اسلامی درخواست امان می‌کند) نیازمند تحلیل دقیق و تطبیقی است.

چالش‌های عملی:

▪ نبود سازوکارهای شفاف: عدم وجود سازوکارهای شفاف برای حمایت قضایی از پناهندگان و پراکندگی قوانین مرتبط، از جمله موانع اصلی در حمایت مؤثر از این گروه است.

▪ سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد: نبود سند جامع پناهندگی که همسو با موازین اسلامی و بین‌المللی باشد، اجرای یکپارچه تعهدات ایران را با مشکل مواجه کرده است.

راهکارهای پیشنهادی:

▪ تدوین سند جامع پناهندگی: طراحی و تصویب یک سند جامع پناهندگی که تلفیقی از موازین فقه اسلامی و استانداردهای بین‌المللی باشد، می‌تواند خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران را پر کند.

▪ تقویت سازوکارهای حمایتی: ایجاد نهادهای تخصصی برای حمایت از پناهندگان، تضمین دسترسی آنان به مراجع قضایی و خدمات اساسی مانند سلامت، آموزش و اشتغال، از جمله اقدامات ضروری است.

▪ آموزش و آگاه‌سازی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارگزاران دولتی و قضایی درباره حقوق پناهندگان و تعهدات بین‌المللی ایران، می‌تواند به بهبود رویه‌های اجرایی کمک کند.

▪ همکاری با نهادهای بین‌المللی: همکاری با کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند منابع و تجربیات ارزشمندی را در اختیار ایران قرار دهد.

به‌طورکلی، مسئولیت ایران در قبال حقوق فرهنگی پناهندگان، هم از منظر حقوق بین‌الملل و هم از دیدگاه فقه اسلامی، امری انکارناپذیر است. اگرچه ایران در طول تاریخ میزبان میلیون‌ها پناهنده بوده و حمایت‌های قابل‌توجهی از آنان به عمل آورده است، اما نظام حقوقی کنونی نیازمند بازنگری و اصلاحاتی است تا بتواند به‌صورت جامع‌تر و مؤثرتر به تعهدات خود عمل کند. تلفیق ظرفیت‌های فقه اسلامی با استانداردهای حقوق بشری می‌تواند الگویی متوازن و کارآمد برای بهبود وضعیت پناهندگان در ایران ارائه دهد. در نهایت، تحقق این هدف مستلزم عزم ملی، همکاری بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اجتماعی است.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۳). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: دانشگاه تهران.
۲. احمد بیگی، مهدی (۱۳۹۱). شهروندی اتحادیه و آزادی جابجایی افراد: قانون و سیاست مهاجرت و پناهندگی در اروپا. فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۰۱.
۳. احمدی، عید محمد (۱۳۸۰). حقوق پناهندگان در اسناد بین المللی. فصلنامه معرفت، شماره ۴۹.
۴. ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۸). حقوق بین الملل خصوصی (چاپ پنجم، جلد اول)، تهران: نشر بهتاب.
۵. اسپندی، مارینا (۱۳۸۵). پیرامون امکان ارتکاب جرم از سوی دولت و مسئولیت کیفری او (ترجمه سید علی هنجنی). مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۹، شماره ۴۴، صص ۲۷۷ - ۳۰۹.
۶. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی (ترجمه حسن دادبان، چاپ دوم)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسدی نژاد، سید محمد؛ رستمی چلکاسری، عباداله و مرادی، فاطمه (۱۳۹۴). حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر. نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۲، صص ۱۷۳ - ۱۹۴. <https://doi.org/10.30497/flj.2015.52090>
۷. امامی، محمد و زرگوش، مشتاق (۱۳۸۶). اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷، صص ۱۳ - ۳۳.
۸. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۸). مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۹). بحثی درباره مسئولیت کیفری دولت. فصلنامه معرفت، شماره ۳۶.
۱۱. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). حقوق مدنی ۴: مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
۱۲. بیابانی، غلامحسین و عصار، محمدتقی (۱۳۸۶). وضعیت مهاجرت های غیرقانونی در جهان، مجله جمعیت، دوره ۱۵، شماره های ۶۱ و ۶۲، صص ۳۹ - ۸۰.
۱۳. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۴، صص ۳ - ۱۸.
۱۴. پورمحمدی، محمدرضا و جهان بین، رضا (۱۳۸۹). راهبردهای اساسی تأمین مسکن گروه های کم درآمد شهری. نشریه جغرافیای چشم انداز زاگرس، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۱۹ - ۱۳۷.

۱۵. توسلی نایینی، منوچهر (۱۳۸۲). جنگ و حقوق کودکان آواره و بی سرپرست. نشریه فقه و حقوق خانواده، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۳۷-۵۷.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق (چاپ ششم)، تهران: گنج دانش.
۱۷. جهان‌بین، رضا (۱۳۸۷). سیاست‌ها و راهبردهای توانمندسازی محلات اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تبریز.
۱۸. حبیبی مجنده، محمد (۱۳۸۶). حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. دوفصلنامه حقوق بشر، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷-۳۸.
۱۹. حدادی، مهدی (۱۳۸۹). استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۲. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2010.17276>
۲۰. حسین‌قلی حسین‌نژاد (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۱. خسروی، حسن (۱۳۸۹). حقوق اساسی ۲، تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
۲۲. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۷). ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۳، شماره ۴۴.
۲۳. سجادی کیا، مهدی؛ قربانی، ابوالقاسم و محمدی‌مقدم، محمدجواد (۱۴۰۳). تأملی نو پیرامون نقض حقوق شهروندان و مسئولیت مدنی مأموران انتظامی با نگاهی به فقه امامیه. نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۴ شماره ۱، صص ۷۰-۸۳. <https://doi.org/10.48309/jlps.2024.1.5>
۲۴. سلیمی، قربانعلی؛ یارمحمدیان، محمدحسین و بلوچستانی اصل، محمد (۱۳۸۵). آگاهی و رعایت منشور حقوق بیمار توسط کارکنان مراکز درمان تأمین اجتماعی استان اصفهان. مدیریت اطلاعات سلامت، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۳-۷۲.
۲۵. سنجری، ابراهیم (۱۳۸۹). حقوق بیگانگان در حقوق بین‌الملل و اسلام. گفتمان حقوقی، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، صص ۴۵-۷۲.
۲۶. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی (چاپ پانزدهم)، تهران: مجد.
۲۷. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۴). مبانی و حقوق جهانگردان از دیدگاه منابع اسلامی. فقه و حقوق، شماره ۷، صص ۷-۳۳.
۲۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۲ق). الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۹. صالحی ذهاب (۱۳۸۱). قانون حاکم بر مسئولیت مدنی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۳۰. ضیائی فر، محمدحسن (۱۳۸۶). نقد رویه‌ها: حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقاتی: با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. حقوق اساسی، شماره ۸، صص ۴۱۷ - ۴۳۳.
۳۱. عابدی، آرش (۱۳۹۲). آواره فلسطینی؛ وجه تمایز آن با پناهندگان سایر کشورها در حقوق بین الملل. مطالعات فلسطین، شماره‌های ۲۲ و ۲۳، صص ۹۵ - ۱۱۴.
۳۲. عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: موسسه انتشارات دادگستر.
۳۳. عرب‌عامری، احمد و پارسامنش، محمدرضا (۱۳۹۳). تابعیت در اسلام. مجله حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۰۷ - ۱۳۰.
۳۴. علی اکبری سفید دارین، ابوذر (۱۳۸۹). مبانی و منابع مسئولیت کیفری تولیدکنندگان کالاها معیوب. آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۴، صص ۱۲۹ - ۱۵۸.
۳۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). کلیات حقوق اساسی، تهران: مجد.
۳۶. العوجی، مصطفی (۱۹۸۵). المسؤولية الجنائية، بیروت: نوفل.
۳۷. غدیری، ماهرو (۱۳۹۵). حق تشکیل خانواده و دسترسی به فناوری‌های کمک‌باروری در پرتو موازین بین المللی حقوق بشر. حقوق، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱۱ - ۳۵.
۳۸. فن‌گلان، گرهارد (۱۳۷۸). درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی (ترجمه سید داوود آقایی، جلد ۱)، تهران: میزان.
۳۹. قاسمی شوب، احمدعلی (۱۳۸۳). نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین الملل با تأکید بر اسناد بین المللی حقوق بشر. مجله حقوقی بین المللی، دوره ۲۱، شماره ۳۱، صص ۱۱۹ - ۱۶۱.
۴۰. قاسمی شوب، احمدعلی (۱۳۸۴). مسئولیت بین المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی. مصباح، شماره ۶۱.
۴۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۵). گفتارهایی در حقوق عمومی، تهران: دادگستر.
۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۸). حقوق بین الملل (ترجمه حسین شریفی طرازکوهی)، تهران: میزان.
۴۴. کدیور، محسن (۱۳۸۲). آزادی عقیده و مذهب در اسلام. بازتاب اندیشه، شماره ۳۷، صص ۳۷ - ۴۴.

۴۵. کمالی نژاد، حسن (۱۳۸۸). حداقل استاندارد بین‌المللی رفتار با بیگانگان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. گفتمان حقوقی، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، صص ۱۳۵ - ۱۶۰.
۴۶. لینن، گیورس، و پینت (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی حقوق بیماران (ترجمه باقر لاریجانی و محمود عباسی)، تهران: انتشارات حقوقی.
۴۷. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۹). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: پایدار.
۴۸. مرتاضی، احمد و قاسمی، رقیه (۱۳۹۹). بررسی فقهی ملاک تعدد عقد و ایقاع. پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۵۵-۱۷۸.
۴۹. مصفا، نسرين (۱۳۸۲). ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات. مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۵۹ - ۱۷۷.
۵۰. مصفا، نسرين (۱۳۹۰). سازمان ملل متحد و حصول همکاری‌های اجتماعی، فرهنگی بین‌المللی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). القواعد الفقهية (۲ جلد)، قم: مدرسه الإمام علی بن ابي طالب (علیه‌السلام).
۵۲. مکرمی، محمدعلی (۱۳۶۸). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: دانشکده علوم قضایی.
۵۳. میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۳). مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، تهران: میزان.
- ناصری لاریجانی، نغمه (۱۳۸۹). تعامل میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۲۷، شماره ۴۲، صص ۲۳۳ - ۲۵۶. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2010.17282>
۵۴. نجفی اسفاد، مرتضی و سودمندی، عبدالمجید (۱۳۸۷). دسته‌بندی تعهدات بین‌المللی و چندجانبه بودن مسئولیت بین‌المللی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌های ۴۴ و ۴۵، صص ۱۴۷ - ۱۶۰.
۵۵. نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۹۳). تأملی بر «عوامل رافع مسئولیت کیفری» در چارچوب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری. حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۱، شماره ۵۱، صص ۲۳۵ - ۲۵۸. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2015.15782>
۵۶. نیک‌زاد، ناصر (۱۳۸۸). احترام مالکیت خصوصی در نظام حقوقی ایران و نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۵۷. ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی. تهران: بهرام.
۵۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان.

۵۹. همتی، مجتبی و امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۶). بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین الملل (حقوق رفاهی) در نظام های حقوقی داخلی. مجله الهیات و حقوق، دوره ۴، شماره ۲۳، صص ۲۷ - ۴۶.

۶۰. یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹). حقوق مدنی: قلمرو مسئولیت مدنی (چاپ اول)، تهران: ادبستان.

1. Annan, Kofi. (2000, July 19) The children and the wars: Report of the General Meeting, Secretary General of the United Nations, 55th session, point 112 of about a provisional day, Promotion and protection of the rights of the child. United Nations, Security Council, 55th year. Doc. A/55/163, S/2000/712.
2. Cornu, Gerard. (2000) *Vocabulaire juridique* (8th ed.) Association Henri Capitan, Presses Universitaires de France.
3. Le Tourneau, Philippe, & Cadiet, Loic. (2002) *Droit de la responsabilité et des contrats*.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی